روزنه

حمیرا ریگی، سفیر ایران در برونئی:

از دولت به وزارت امور خارجه پیشنهاد شدم

● «حمیرا ریگی»، دومین زن سفیر جمهوری اسلامی ایران در برونئی دارالسلام است. ریگی که وارد نهمین ماه از دوران تصدی مسئولیت سفارت شده، تا پیش از ورود به عرصه‌های دیپلماتیک، به مدت پنج سال فرماندار شهرستان قصرقند در استان سیستان‌وبلوچستان بود. او وقتی تنها ۲۵ سال داشت، به‌عنوان بخشدار مرکزی زادگاهش، چابهار، انتخاب شده بود. برش‌هایی از گفت‌وگوی ایرنا با او را در ادامه می‌خوانید:

چگونگی سفیرشدن

■ حاکمیت این اعتماد را به من پیدا کرد. درواقع این اعتماد از درون دولت به من شکل گرفت. از دولت به وزارت امور خارجه پیشنهاد شد. مهم آن است که این اعتماد از سوی ارکان مختلف نظام به بنده شکل گرفت.

سفیر ویلچرنشین

■ اولین حضورم در وزارت امور خارجه از میانه راه شروع شد. پیشنهادات و زمزمه‌هایی برای پذیرفتن مسئولیت سفارت انجام شده بود و از قبل مسیرهایی را طی کرده بود. در میانه راه قرار شد که دیدارهایی را با مقامات وزارت امور خارجه داشته باشم. من در آن ایام فرماندار بودم، اما برای درمان در اثر یک تصادف شدید، در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شده بودم. من به تازگی از بیمارستان مرخص شده بودم و یکی از پاهایم را گچ گرفته بودند. با من تماس گرفتند و به من گفتند که باید به تهران آمده و برای پیگیری یک‌سری از امور به وزارت خارجه بروم. به من گفتند کی می‌توانی بیایی که من گفتم در تهران حضور دارم و همین امروز هم می‌توانم بیایم. به دلیل اینکه تازه از بیمارستان مرخص شده بودم و پاهایم را گچ گرفته بودند، با ویلچر تردد داشتم.

همین مسئله موجب شد تا با ویلچر خدمت یکی از مقامات وزارت امور خارجه برسم. پیش‌بینی می‌کردم به‌عنوان یک زن که از یک استان محروم آمده و با توجه به اینکه خارج از وزارت امور خارجه در حال سفیرشدن هستم، طرف مقابل شوکه شود، مخصوصا اینکه پایم شکسته باشد و با ویلچر به وزارت خارجه بروم. من وقتی وارد وزارت امور خارجه و دفتر آن مقام شدم، همان اول گفتم باید یک نکته‌ای را بگویم و آن، این است که بنده ویلچرنشین نیستم، ولی به اقتضای اتفاقی که برایم رخ داده است، فعلا ویلچرنشین شده‌ام.

اولین دیدار با ظریف

اولین دیدار به معنای اول آشنایی میان من و آقای ظریف نبود. من نهم اسفند سال قبل عازم برونئی بودم و استوارنامه‌ام هم یکم دی‌ماه امضا شده بود. قبل از اعزام فرصتی پیش آمد و خدمت دکتر ظریف، رئیس‌جمهوری و معاونت بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری رسیدم. این دیدارها عموما روالی است که قبل از آغاز مأموریت، با ارکان مرتبط با کار شما انجام می‌شود. اولین دیدار هم با دکتر ظریف انجام شد که برایم خاطره‌انگیز هم شد. دلیل هم استقبالی بود که از سوی آقای وزیر صورت گرفت. ایشان خیلی گرم و با چهره خندان به استقبال من آمدند. ایشان انتظار داشتند که من به‌عنوان سفیر جمهوری اسلامی ایران منافع ملی را دنبال کنم. ایشان نسبت به اینکه یک فرد از یکی از محروم‌ترین مناطق جغرافیایی سفیر شده است، ابراز خوشحالی کردند.

ایشان همان روز از من دعوت کرد در جلسه شورای معاونین شرکت کنم و در آن جلسه، فرصت شد تمامی معاونان و مدیران ارشد وزارت امور خارجه را ببینم. دکتر ظریف مرا در آن جلسه به همکاران معرفی و درخواست همکاری و همراهی تمامی اعضای شورای معاونین را مطرح کردند. من با این پشتوانه و همراهی عازم برونئی شدم. همین اتفاق در دیدار با ریاست‌جمهوری و معاونت بین‌المللی دفتر مقام معظم رهبری هم تکرار شد.

همکاری بر سر نانوتکنولوژی

■ هر سفیر یک برنامه یک‌ساله و یک برنامه چهارساله دارد که آن را در ابتدای کارش به وزارت امور خارجه ارائه می‌کند. هر سه ماه نیز ارزیابی‌ای صورت می‌گیرد که چقدر توانسته‌ایم این برنامه را پیش ببریم. من پس از اعزام به برونئی و حضور هشت‌ماهه در این کشور، وقتی گزارشی از اقداماتم را به وزارت امور خارجه دادم، توسعه گردشگری و توسعه همکاری‌های اقتصادی مبتنی‌بر نانوتکنولوژی را سرلوحه کار خود قرار دادم که در این میان، ورزش هم نقش مهمی دارد، چراکه می‌تواند به عنوان عاملی سفیر صلح و سلامت را پوشش دهد و هم موجب همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور شود.

در حوزه نانوتکنولوژی هم یک‌سری از کارها دنبال می‌کنیم. البته مسائل و امور دیگری هم هستند، اما گردشگری و همکاری در حوزه نانوتکنولوژی از مهم‌ترین اولویت‌ها برای توسعه همکاری‌ها هستند.

■ در هشت‌ماهه گذشته چهار هیئت کاری و اقتصادی برونئیایی به مناسبت‌های مختلف به ایران آمده‌اند. گروهی هم که در روزهای آینده برای گردشگری به ایران می‌آیند، یک گروه ۳۰ نفره از اقشار مختلف برونئی هستند.

politics@sharghdaily.ir

نگاهی به ریشه‌های ضد ایرانی اعتراضات در عراق

قبل از روز واقعه

عکس: gettyimages

روح‌اله نخعی: اعتراضات مردم عراق نسبت به وضعیت اداره کشور در ماه‌های اخیر، منهای وقفه کوتاه میزبانی مسافران اربعین، در جریان بوده است. روند اعتراضات، بعد از چندین و چند کشته و زخمی در میان معترضان، دو روز پیش سرانجام از ساختار قدرت هم قربانی گرفت. در پی ادامه درخواست‌های معترضان برای کناره‌گیری مقامات حکومتی و حمایت «مرجعیت» از خواسته‌های مردم، به‌خصوص با پیام‌های قدرتمندترین چهره مذهبی عراق، آیت‌الله علی سیستانی، نخست‌وزیری کناره گرفت تا به تعبیر خود فضا را برای تجدیدنظر هر چه سریع‌تر مجلس در روند اداره کشور، آماده کند. درخواست برگزاری انتخابات دوباره، همچنان در فهرست خواست‌های مردم به عنوان راه‌حل حضور دارد.

اما نکته‌ای که برای مخاطب ایرانی در نگاه به این اعتراضات برجسته شده است، نوک پیکان انتقاداتی است که هرازگاهی در میان اعتراضات به سمت ایران نشانه می‌رود. معترضانِ البته به‌خشم‌آمده عراقی در روند درگیری‌های بعضا خونین خود با مأموران حکومت این کشور، در یک ماه گذشته دو بار و در دو سال گذشته چهار بار به ساختمان‌های دیپلماتیک ایران حمله‌ور شده‌اند؛ گاهی ساختمان را آتش زده‌اند و گاهی پرچم ایران را از بالای سفارت پایین کشیده‌اند، البته در هیچ کدام از این حمله‌ها، کارکنان ایرانی کنسولگری‌های ایران در نجف، کربلا، بصره و اربیل هیچ آسیبی ندیدند، هرچند مأموران امنیتی عراقی در حفاظت از این ساختمان‌ها قربانی شدند و به روایت مقامات عراقی، فقط در آخرین نمونه این حمله‌ها، ۴۷ مأمور در درگیری با معارضان به کنسولگری نجف آسیب دیده‌اند.

علاوه بر این حملات که به تیتر رسانه‌های ایران راه پیدا کرده‌اند، گاهی فیلم‌ها و عکس‌هایی از معترضان عراقی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود. این تصاویر، البته به تبع ذات فضای شبکه‌های اجتماعی، گاهی با اخبار، ترجمه‌ها و روایت‌های نادرست از مواضع معترضان همراه هستند و گاه نیز تصاویری از اعتراضات سال‌های پیش به عنوان تکرار اتفاق توسط برخی کاربران هدف‌دار یا کم‌اطلاع بازنشر می‌شوند، اما آنچه مشخص و چشم‌پوشی‌ناپذیر است، وجود میزانی از احساسات ضدایرانی لااقل در میان بخشی از مردم و معترضان عراقی است. شاید حملات این‌چنینی به ساختمان‌های ایرانی و نمایش این قبیل احساسات، در کنار ناامنی‌های حاصل از درگیری معترضان با مأموران عراقی، دلیل هشدارها و ابلاغ‌های مقامات دیپلماتیک ایران به مردم برای توقف یا تعویق سفر به عتبات عالیات و حتی تعویق در آغاز حرکت جهت حضور در راهپیمایی بزرگ اربعین بوده است.

سؤالی که در این میان نیازمند پاسخ است، این است که در نتیجه چه تصویر و تصوری از ایران و نقش‌آفرینی این کشور در عراق، منجر به این جهت‌گیری در میان معترضان می‌شود و از آن مهم‌تر، اعتراض به ایران چه سهم و جایگاهی در میان اعتراضات مردم عراق دارد. این اعتراضات شاید با انگیزه‌های سیاسی و غیرسیاسی در رسانه‌های رسمی و غیررسمی فارسی نیز به سرخط خبرها راه پیدا می‌کند. همین موضوع باعث می‌شود برخی از مخاطبان پوشش خبری اعتراضات علیه ایران نسبت به پوشش خبری کل اعتراضات را متناسب با میزان حضور شعارها و احساسات ضدایرانی در کل اعتراضات تصور کنند و حتی برخی بر این باور باشند که اساسا حرکت مردم عراق در درجه اول در اعتراض به نقش‌آفرینی‌ها و «دخالت‌های» ایران در امور کشورشان شکل گرفته؛ اما آیا این واقعیت صحنه عراق است؟ در یکی، دو روز گذشته رسانه‌ها بسیار به حادثه حمله به کنسولگری ایران در نجف پرداخته‌اند اما قبل از روز وقوع این واقعه، چه بسترهایی آن را ممکن کرد؟

بخشی از این روند، خواه ناخواه بر اثر رقابت‌های سیاسی بین ایران و رقبای منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکاست اما در این نوشته، با کنارگذاشتن استفاده‌ها یا سوءاستفاده‌های این‌چنینی در عراق، مسئله نگاه به ایران بررسی می‌شود.

رقبای قدیمی

روایت تحلیلگرانی که از درون به صحنه عراق نگاه می‌کنند، تصویر پیچیده‌ای از نگاه همراه با عشق و نفرت مردم عراق به ایران ترسیم می‌کند که با نگاه به تاریخ و گذشته و حال تعاملات دو کشور، به نظر منطقی می‌رسد. جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، به‌خاطر روحیات خاص رئیس‌جمهور مستبد وقت عراق، صدام حسین، شکل گرفت که پیش از تجاوز به خاک ایران، با مردم کشور خود نیز با سرنیزه و توپ و تفنگ مواجه شده بود، اما به‌هرحال در طول آن هشت سال، سربازانی که از میان مردم عراق، با اراده یا به اجبار به جبهه جنگ می‌آمدند، در مقابل سربازان ایرانی اسلحه به دست می‌گرفتند، می‌کشتند و کشته می‌شدند، زخمی می‌کردند و زخمی می‌شدند، اسیر می‌گرفتند و اسیر می‌شدند. صدام را می‌توان به شکل عینی حاکم بی‌رحمی برای مردم عراق توصیف کرد، اما به‌هرحال، در جنگی که او به ایران تحمیل کرده بود، این دو همسایه به‌عنوان دشمن با هم درگیر بودند.

از طرف دیگر، در تاریخ روابط ایران و عراق و پیش از آن، روابط ایران با حاکمان و خلفایی که بر سرزمین عراق عرب سلطه داشتند، نوعی از رقابت را همواره در خود داشته است. شاید در یکی، دو دهه اخیر، عراق آسیب‌دیده از جنگ‌های سریالی، چندان توانایی قرارگرفتن در موضع رقابت با ایران را نداشته است، اما سابقه تاریخی این دو کشور اتفاقات دیگری را در خود دارد. مسئله تعیین مرز دو کشور در حوالی رودهای بین دو کشور، از موضوعاتی بوده که فراتر از سقوط و ظهور حکومت‌ها بین دو کشور جریان داشته است، پیش و پس از صدام و در دوران او، در دوره حکومت پهلویان در ایران و در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، این موضوع هرازگاهی روی میز مذاکره یا در میانه مجادله‌های دو کشور قرار گرفته است.

در کنار اینها، نگاه‌های ملی‌گرایانه و نژادگرایانه با محوریت عربی در عراق ریشه‌های مهمی دارند. نگاه‌های نژادگرایانه در قبال ایران در بسیاری از کشورهای عربی سابقه‌هایی تاریخی و چندقرنی دارد. در دوران حکومت حزب بعث، حاکمان عراق تاکید بسیاری در این زمینه داشتند؛ هم در داخل و هم در روابط خارجی این کشور.

همسایگان نزدیک

روی دیگر سکه تقابل عراق و ایران، نزدیکی‌ها و هم‌داستانی‌های عمیق فرهنگی و مذهبی است. ایران و عراق کنونی در بخش‌های مهمی از تاریخ خود، بخشی از یک سرزمین قلمداد می‌شده‌اند. درواقع، برخی نگاه‌ها، با توجه به روندی که مرزهای عراق را تعیین کرده است، روابط فرهنگی و تاریخی بین ساکنان دو سوی مرزهای ایران و عراق را کم‌وبیش به همان اندازه روابط درون مرزهای عراق قوی می‌بینند؛ مرزهایی که با تصمیمات استعمارگران، این‌گونه تعیین شده‌اند.

ایران و عراق از معدود کشورهایی هستند که اکثریت شیعه دارند و این پیوندهایی قوی بین دو کشور ایجاد می‌کند. این روابط و نزدیکی‌های عقیدتی، به‌خصوص پس از سقوط دولت صدام حسین به‌عنوان حاکمی ضدشیعه، در جهت جبران سال‌ها فاصله اجباری بین دو ملت هم‌مذهب، نمود پیدا کرده است. ساده‌ترین پاسخ کسانی که ایده «نفرت» یا «اختلاف عمیق» بین دو ملت را رد می‌کنند، اشاره به راهپیمایی بزرگ سالانه اربعین است که در فاصله نسبتا کوتاهی پس از رفع محدودیت‌های حکومتی در عراق، به‌سرعت شکل گرفت و به بزرگ‌ترین گردهمایی سالانه مذهبی تبدیل شد. گزارش‌ها و روایت‌های خبری و مردمی از رویکرد مردم عراق نسبت به میهمانان ایرانی و البته غیرایرانی خود در این ایام، تصویری پر از رفتارهایی ترسیم می‌کند که در میزبانی و میهمان‌نوازی تا مرز ازخودگذشتگی‌ها و ارادت‌های مذهبی به شکلی بی‌سابقه پیش می‌روند. منطقا نمی‌توان روایت‌های مستقل از تعامل مردم عراق با ایرانیان در این ایام را در تحلیل خود از روابط دو کشور نادیده گرفت.

هم‌داستانی و همدستی مذهبی بین دو کشور اما پیش از این نیز سابقه مهم دیگری دارد: سپاه بدر، نظامیانی بودند که به دلیل وابستگی‌های فرهنگی و مذهبی بین دو کشور و هم به دلیل نقش‌آفرینی صدام به‌عنوان حاکمی با سابقه کشتارهای گسترده علیه مردم خود که حتی در میانه جنگ با ایران نیز ادامه داشت، در کنار ایران، علیه صدام می‌جنگیدند. حتی برخی روایت‌ها از دوران جنگ حاکی از اخلال برخی نیروهای عراقی در سیستم بمب‌افکن‌های عراقی به نحوی است که در حملات به ایران در آسیب‌رساندن به مردم این کشور ناکام بمانند.

عینی‌تر از این، ایرانیان بسیاری در طول سالیان در شهرهای مذهبی عراق، اغلب به جهت تحصیلات مذهبی در حوزه‌های علمیه این کشور، ساکن بوده‌اند. بسیاری از چهره‌های برجسته مذهبی ایران، تحصیل‌کردگان حوزه‌های عراق بوده‌اند. نمی‌توان نادیده گرفت که تأثیرگذارترین چهره مذهبی ساکن در عراق، آیت‌الله سیدعلی سیستانی، در مشهد متولد شده و پیش از مهاجرت به نجف برای تحصیل، در مشهد و قم درس حوزوی خوانده است. همین روند در میان عراقیان نسبت به ایران نیز وجود داشته است و عراقی‌های بسیاری در شهرهای مذهبی ایران برای تحصیل ساکن شده‌اند. علاوه‌براین، دوره‌های بحرانی در تاریخ اخیر عراق، مهاجرانی را نیز از این کشور راهی ایران کرده است که در شهرهای دیگر ایران نیز ساکن بوده‌اند.

کارشناسان حوزه عراق از نوعی تحسین در نگاه عراقی‌ها به ایران نیز خبر می‌دهند که اتفاقا بی‌ارتباط به سوژه اعتراض‌های اخیر این کشور نیست. از نگاه ایرانی، نقدهای بسیاری به ساختارهای اقتصادی و صنعتی در ایران می‌توان وارد کرد؛ اما عراق کشوری است که تقریبا تمام درآمد خود را از فروش نفت کسب می‌کند و عملا صنعتی ندارد. فقدان ساختارهای تولیدی در عراق، به‌عنوان معضلی که هم چرخ اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هم اشتغال‌زایی این کشور را با بحران مواجه می‌کند، وقتی در کنار حضور گسترده اجناس ایرانی در بازارهای عراق قرار می‌گیرد، باعث می‌شود بسیاری از مردم این کشور به ایران به‌عنوان کشوری که لااقل بخشی از «نیازمندهای خود را با تولید رفع می‌کند» و زیر بار تحریم‌های چنددهه‌ای، به اقتصاد خود رسیدگی می‌کند و هم‌زمان قدرت و فرصت نقش‌آفرینی گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی در منطقه را دارد، کم‌وبیش با دیده حسرت نگاه می‌کنند.

فرازوفرود رابطه تا زمان اعتراض‌ها

با مرور روندهای ذکرشده می‌توان به این نکته رسید که رابطه بین ایران و عراق، هیچ‌وقت سیاه یا سفید نبوده و به همین مناسبت، در برهه‌های تاریخی و در سایه اتفاق‌های مختلف، بهتر و بدتر شده است. در سال‌های اخیر، نقش‌آفرینی گسترده ایران در کنار گروه‌هایی که در عراق با گروه تروریستی داعش می‌جنگیدند، نقش مهمی در نگاه مثبت به ایرانیان در عراق داشت. همین نفوذ و قدرت حضور ایران در عراق که در روابط بین ایران با چهره‌های صاحب‌نفوذ این کشور نیز نمود دارد، زمانی که مردم این کشور از فساد و ناکارآمدی گسترده حاکمان خود به تنگ می‌آیند، در قالب استدلالی نمود پیدا می‌کند که در کنار انتقاد از حاکمان و سیاست‌مداران ناکارآمد، ایران را نیز به‌عنوان یکی از حامیان این سیاست‌مداران هدف انتقاد قرار می‌دهد.

از طرف دیگر، طبیعتا برخی جریان‌های فکری و سیاسی در عراق، به ایران نزدیک‌تر و برخی دورتر هستند و در چنین بزنگاه‌هایی، بالطبع کسانی که فاصله و تقابل بیشتری با ایران دارند، ضمن مقصردانستن جناح مقابل خود، حامیان ایرانی آن جناح را نیز در صف مقصرها قلمداد می‌کنند.

این حقیقت که اکثریت شیعه این کشور، بخش‌های مهمی از تهدیدات ماهوی علیه خود را پشت سر گذاشته‌اند نیز در این میان مؤثر است. در بازه‌هایی مثل دوران حضور داعش، شیعیان عراق در معرض تهدید مرگ و سرنوشت‌هایی بدتر از مرگ به دست یکی از خونریزترین بازیگران تاریخ منطقه بودند. در بخش مهمی از دوران پس از صدام نیز جدال‌های قدرت در این کشور هنوز به شکلی اساسی در جریان بود. در چنین شرایطی، شیعیان این کشور تمایلی به تقابل با حاکمیت درگیر جنگ یا تهدید جایگاه نمایندگان خود در ساختار حاکمیت عراق نداشتند. ثبات نسبی سیاسی و رفع تهدیدهای جدی باعث شد اکثریت شیعه عراق زمان را برای اعتراض به ناکارآمدی گسترده حاکمان مناسب ببینند. رابطه با ایران نیز در شرایط تهدید، اهمیتی حیاتی برای آنان داشت؛ اما بعد از عبور توفان‌های سیاسی و اجتماعی دو دهه اخیر، آنها می‌توانند ریسک انتقاد به عملکرد ایران را تقبل کنند.

ایران، هدف اصلی یا اشاره جنبی

اما مشخصا ایران نه سوژه نفرت معترضان عراقی به‌عنوان یک کلیت است و نه حتی سوژه اصلی اعتراض آنها. اشاره به ایران در این اعتراض‌ها، به گواه تحلیلگران آشنا به روابط داخلی عراق، در فهرست اولویت‌ها و گستردگی شعارها، جایگاهی پایین و حضوری محدود دارد؛ بسیار کمتر از آنچه در نگاه به رسانه‌ها برمی‌آید. خشم گسترده عراقی‌ها از شرایطی که در آن حتی مسئله نسبتا ساده‌ای مثل تأمین برق این کشور که تنها نیازمند یک پروژه فنی در یک کشور ثروتمند نفتی است، سال‌ها لاینحل مانده، در تظاهرات و اعتراض‌های آنها نمود گسترده‌ای داشته است، به همین مناسبت، گروه‌هایی از مردم این کشور که نگاهی منفی به ایران دارند نیز در میانه اعتراض‌های خود، خشونت‌هایی به ساختمان‌هایی که نماد سیاسی حضور ایران در کشورشان هستند، نمایش می‌دهند؛ اما حتی روند وقایع و مواضع رهبران سیاسی و اجتماعی نیز نشان می‌دهد جهت‌گیری اصلی اتفاق‌ها به سمت برکناری یا کناره‌گیری مقامات، برگزاری دوباره انتخابات و اقداماتی از این قبیل است.

آنچه مردم عراق را به خیابان کشانده، اتلاف منابع، ناکارآمدی ساختارهای حاکم، بی‌کاری و فقر و محرومیت گسترده و نبود تعامل مؤثر بین قدرتمندان و در نتیجه معطل‌ماندن امور کشور است و باز آنچه کار را به اینجا کشانده است، فراتر از حضور ایران، عربستان، سوریه، روسیه، ایالات متحده، بریتانیا و دیگر کشورها که در خلأ پس از فروپاشی حکومت صدام با انگیزه‌های مختلف در فضای این کشور حاضر شدند، به دوران پیش از آن برمی‌گردد. در سال‌های حکومت رژیم بعث، ساختارهای مدنی و سیاسی در هم شکسته شدند، رهبران و نخبگان سیاسی و اجتماعی یا اعدام، یا خانه‌نشین یا فراری شدند، طبقه متوسط شهرنشین گرفتار پسرفت گسترده شد، چشمه رشد و حرکت در اقشاری که بنا بود متولیان امور فرهنگی و فکری جامعه باشند، یعنی معلمان، دانشگاهیان، فعالان، هنرمندان و... زیر فشار گسترده اقتصادی از یک سو و محدودیت‌های شدید و بی‌رحمانه سیاسی از سوی دیگر عملا خشکانده شد و جریان حاکم و بلکه شخص حاکم به تنها صدای مؤثر تبدیل شد. به همین مناسبت، وقتی آن فرد مقتدر مستبد تک‌رو از صحنه حذف شد، نه نخبگانی برای رایزنی و تصمیم‌سازی بودند، نه چهره‌های موجود نفوذ و قدرت کافی داشتند و نه ساختارهای اجتماعی حاضر، کارایی. از دل چنین فضایی، ساختاری بیرون می‌آید که در دو دهه گذشته در رسیدگی به مشکلات ساده و پیچیده خود ناکام مانده است.

کوتاه از دیپلماسی

استقبال از پیوستن ۶ کشور اروپایی به اینستکس

● **ایسنا:** وزیر امور خارجه فرانسه با اشاره به پیوستن چند کشور اروپایی به اینستکس، بدون اشاره به بدعهدی اروپایی‌ها در عمل به تعهدات‌شان در برجام پس از خروج آمریکا، از ایران خواست به تعهداتش بازگردد. ژان ایو لودریان با انتشار پیامی در حساب کاربری خود در توییتر به پیوستن شش کشور اروپایی به سازوکار اینستکس، شامل فنلاند، دانمارک، نروژ، سوئد، هلند و بلژیک واکنش نشان داد و از آن استقبال کرد. او در پیام خود نوشت: شش کشور اروپایی تصمیم مهمی برای پیوستن به اینستکس اتخاذ کردند. اروپایی‌ها برای حمایت از برجام تعهدی محکم و استقلال عمل دارند. ما از ایران می‌خواهیم تا به تعهداتش در این توافق بازگردد.

«عباس عراقچی»، معاون سیاسی وزارت امور خارجه، نیز در واکنش به پیوستن شش کشور دیگر اروپایی به اینستکس گفت: امیدواریم پیوستن این کشورها به این سازوکار مالی، یک انرژی جدید به اینستکس بدهد و منجر به عملیاتی‌شدن هرچه بیشتر آن شود. عراقچی که به دعوت همتای چینی و به منظور ادامه مشورت‌های سیاسی بین دو کشور درباره برجام به پکن سفر کرده است، در گفت‌وگو با ایرنا افزود: اینکه کشورهای اروپایی کماکان جدیت دارند که اینستکس را به‌عنوان یک سازوکار تجاری برای حفظ روابط اقتصادی با ایران داشته باشند و در حقیقت روشی را ادعا کنند که ایران بتواند با وجود تحریم‌های آمریکا با کشورهای اروپایی تبادل تجاری داشته باشد، فی‌نفسه ارزشمند است و این اراده نیز کماکان باقی است. هرچند اینکه کشورهای جدیدی از اتحادیه اروپا به سازوکار اینستکس به‌عنوان سهام‌دار می‌پیوندند، ارزشمند است؛ اما کارایی این مکانیسم و سازوکار آن بحث دیگری است.

ادامه از صفحه ۲

امکان شکایت خانواده‌های کشته‌شدگان

...او ادامه داد: حالت دیگری هم وجود دارد و آن اینکه در صورت عدم شناسایی مقصران نیز از باب قاعده فقهی حرمت خون مسلمان، دیه کشته‌شدگان و مجروحان (در صورت عدم شناسایی مقصر) از خزانه دولت و بیت‌المال به خانواده آنان پرداخت شده و از سوی مسئولان ذی‌ربط از خانواده‌های کشته‌شدگان و آسیب‌دیدگان جانی و مالی از باب قاعده لاضرر و مواد یک و دو قانون مسئولیت مدنی دلجویی و جبران ضرروزیان مادی و معنوی انجام می‌شود.این حقوق‌دان درباره این نگرانی که شناسایی ضاربین ممکن است در بسیاری از موارد سخت یا ناممکن باشد، آیا در چنین مواردی هم می‌توان دادخواهی به دستگاه قضا برد؟ توضیح داد: در مواردی که به علت شلوغی و تجمع، شخص یا اشخاصی مورد جراحت و آسیب بدنی قرار گرفته یا سلب حیات شده باشند، به‌گونه‌ای که برای خانواده شخص آسیب‌دیده یا کشته‌شده و حاکمیت امکان شناسایی مقصر وجود نداشته باشد، این حق و تکلیف شرعی و قانونی برای بزه‌دیدگان و دادستان به نمایندگی از جامعه به‌منظور اعاده آسایش عمومی و امنیت و جبران خسارت وجود دارد که بدون معرفی مظنون یا متهم صرفا با شکایت شخص بزه‌دیده یا خانواده وی مراحل تعقیب یا دادرسی را انجام دهند.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری کرج

شهرداری کرج در نظر دارد با توجه به بودجه مصوب شورای اسلامی شهر پروژه مندرج در جدول ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.

ردیف	شرح عملیات	مبلغ سپرده به ریال	حداقل رتبه لازم	درصد غیرنقدی قرارداد
۱	طراحی، تهیه، تدارک مصالح و اجرای پروژه پارکینگ طبقاتی منطقه ۸ به صورت E.P.C	۱۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰	رتبه سه ابنیه و چهار تاسیسات برای پیمانکار و رتبه یک معماری و شهرسازی برای مشاور همکار	٪۸۷/۵

۱-سپرده شرکت در مناقصه به یکی از روشهای ذیل ارائه گردد. ضمانت نامه بانکی معادل مبلغ فوق که به مدت ۹۰ روز اعتبار داشته و قابل تمدید باشد و یا واریز فیش نقدی به مبلغ فوق به حساب ۷۰۰۷۸۶۹۴۸۶۲۳ بانک شهر. ۲- برندگان نفر اول و دوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد. ۳- شهرداری کرج در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است. ۴- مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان هزینه خرید اسناد به حساب ۷۰۰۷۸۵۳۱۳۷۹۵ نزد بانک شهر شهرداری واریز و رسید آنرا ارائه نمایند. ۵- متقاضیان می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی جهت خرید اسناد مناقصه به اداره امور قراردادها و پیمانها واقع در میدان توحید- بلوار بلال شهرداری کرج طبقه هفتم مراجعه نمایند. ۶- در هر صورت مدارک مندرج در اسناد مناقصه ملاک فروش اسناد و متعاقباً عقد قرارداد خواهد بود. ۷- توضیح اینکه به غیر از سپرده شرکت در مناقصه کلیه اسناد و مدارک مربوط به پیمانکاران شرکت در مناقصه در نزد شهرداری باقی می‌ماند. ۸-لازم به ذکر است هنگام خرید اسناد داشتن رتبه مربوطه و ارائه تاییدیه صلاحیت در سایت oldpmn.mporg.ir ویا sajar.mporg.ir معرفی نامه ممهور به مهر و امضای مدیرعامل، روزنامه آخرین آگهی تغییرات اعضای شرکت ،کد اقتصادی وگواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر الزامی می باشد. ۹- شرکت کنندگان در مناقصه می‌بایست کلیه فرمها و اطلاعات مورد درخواست شهرداری را تکمیل و به همراه سایر اسناد مناقصه در پاکت مربوطه قرار دهند. ۱۰- سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.
۱۱- پیشنهادات می بایست در پاکتهای مجزا (الف-ب-ج) لاک و ممهور به مهر شرکت شده و پس از الصاق هولوگرام بر روی پاکت ج تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۹۸/۰۹/۲۰ به آدرس کرج- میدان توحید- بلوار بلال دبیرخانه شهرداری کرج تحویل داده شود.
۱۲-پیشنهادات رسیده در پنجشنبه مورخ ۹۸/۰۹/۲۱ در کمیسیون عالی معاملات شهرداری کرج (دفتر شهردار) مطرح و پس از بررسی و کنترل برنده مناقصه اعلام خواهد شد .
هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد
•جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۵۸۹۲۴۱۸-۳۵۸۹۲۴۲۱-۰۲۶ تماس و یا به سایت www.karaj.ir مراجعه نمائید.

اداره امور قراردادها و پیمانها – شهرداری کرج